



۲۰۱۸/۰۳/۲۶

حامد نوید

نگاه گذرایی به تاریخچه تقویم هجری شمسی

در جهانی که ما زندگی می‌کنیم تعیین ایام در ظرف یک سال و تقسیم آن به ۱۲ ماه، ۵۲ هفته و ۳۶۵ روز از زمانه های باستان تا عصر حاضر به دو طریقه، یعنی محاسبه گردش سیاره ماه به دور کره زمین و یا گردش کره زمین به دور آفتاب تعیین گردیده است. از این رو برای سنجش ایام به دو طریق بر می‌خوریم تقویم قمری و تقویم شمسی که همه با آن‌شنایی داریم. تاجایی که بررسی های تاریخی نشان می‌دهد، کهن ترین تقویم قمری در عصر صیقل سنگ در حوالی ۷۰۰۰ سال پیش در سکاتلند معمول بود، و سپس در مصر باستان، یونان قدیم، بین النهرین، چین و هند در عصر فلزات و آغاز مدنیت شهری در حوالی ۵۰۰۰ سال پیش مورد استفاده قرار گرفت که از همین عصر علم نجوم پا به عرصه وجود گذاشته است.

مطالعات تاریخی نشان دهنده آنست که درین عصر تقویم خورشیدی نیز در برخی از نقاط جهان استخراج گردیده و تا اندازه ای مورد استفاده قرار داشت. منجمین مصری نخستین کسانی بودند که از روی محاسبه ساعات شب و روز و تعیین موقعیت ستارگان تقویم خورشیدی را کشف کردند. از قرار معلوم در همین آوان مردمانی که به نام آره گان (دهقانان نخستین) یا آریا ها یاد می‌شدند نیز با این تقویم آشنایی داشته اند. از این رو اولین روز سال با اولین روز بهار در ساحة وسیعی یعنی از حوزه فرهنگی **آکسوس Oxus Cultural Complex** (آمو دریا) تا دامنه های کوه قفقاز تجلیل می‌گردید. در یونان باستان **آناکسیماندر Anaximander** فیلسوف قرن ششم ق.م. یونان استاد فیثاغورث تقویم خورشیدی را به شکل پیشرفته تری ارائه کرد، و پس از دوره فتوحات اسکندر مقدونی استفاده از تقویم خورشیدی در قرن سوم ق.م. در تمدن یونان و روم باستان (**Greco-Roman Civilization**) گسترش بیشتری پیدا نمود.

البته در هر فرهنگ و مدنیتی تقویم های ساخته دست بشر مبدأ و آغازی دارد و این سرآغاز به اساس مهمترین حادثه تاریخی ایکه برای مردم و یا صاحبان قدرت در تمدنی اهمیت داشته باشد تعیین می‌گردد. بطور مثال کنیشکا شاهنشاه مقتدر کوشانی ها برخاسته از افغانستان کنونی چنانچه در کتیبه معروف رباطک درج است، سال اول پادشاهی اش را به نام **سال اول آریا** اعلام نموده است؛ و به همین گونه رومن ها آغاز سال مسیحی را به اساس عنعنات پیشین اول جنوری تعیین نمودند که در حقیقت مصادف به فتح مصر به دست **جولیوس سزار** قیصر روم بود و به این مسیحیت ارتباط چندانی نداشت. این تقویم به نام **تقویم جولین Julian Calendar** معروف بود و در کشور های غربی برای چندین سده رواج داشت، تا اینکه در سال ۱۵۸۲ پاپ گریگوری سیزدهم بنا بر

دلایل دینی در این تقویم تعدیلاتی را وارد کرد و این شمارش ایام که جنبه دینی بیشتری داشت به نام **تقویم گریگوری (Gregorian Calendar)** معروف است که مبدای آن میلاد حضرت مسیح می باشد. تقویم گریگوری تا امروز در سراسر کشور های غربی معمول است و به نام تقویم میلادی و یا عیسوی نیز یاد می گردد. اما مبدای تقویم های هجری قمری و هجری شمسی در بلاد اسلامی از تاریخ هجرت پیامبر اسلام **حضرت محمد (ص)** و یارانش از شهر مکه به یثرب (مدینه منوره) که مطابق به سال ۶۲۱ میلادی اتفاق افتاد آغاز می گردد. در دوره های نخستین گسترش دین اسلام در عهد خلفای راشدین، دوره خلافت اموی ها و خلفای عباسی تقویم قمری بیشتر معمول بود که تا کنون در عربستان سعودی به حیث تقویم رسمی شناخته شده و در پهلوی آن ماه های شمسی نگاشته می شود. گرچه در عهد خلافت هارون الرشید خلیفه مقتدر عباسی با اقتدار رسیدن خانواده دانشمند برمکیان بلخ تقویم خورشیدی که در بلخ باستان معمول بود در بغداد معرفی گردید، اما با از بین رفتن آنها به امر هارون الرشید این تقویم از رسمیت بازماند.

چنانچه می دانیم تقویم خورشیدی در هنگام اعتدال بهاری یعنی اول حمل یا (نوروز) آغاز می گردد. بنا بر مندرجات اوستا در عهد ویشناسب شاه بلخ جشن هایی به استقبال فرا رسیدن بهار و تجلیل از تخت نشینی یما نخستین شاه سلسله پیشدادیان بلخ برگزار می شد، اما اینکه این جشن ها در آن زمان به نام «نوروز» یاد می گردیده سندی در دست نیست. زیرا به اساس تحقیق در زند اوستایی که به زبان پهلوی نگارش یافته **گاهنبار** (پیدایش خلقت) شامل شش روزی است که جهان درین شش روز آفریده شده و بنا بر عقاید این آئین روز **میدیوزریم** روز اول سال و آفرینش «آسمان» است. **میدیوشیم**، **پَیته شَهِیم**، **آیاسرم**، **میدیارم**، **هَمَسپَنتَمَدُم** به ترتیب روز های پیدایش آب، زمین، گیاهان، جانوران و انسان درین آئین می باشد. بدیهیست که این نام های کهن با کلمه نوروز شباهت ریشه ئی ندارند.

پس باید دید که نزدیک ترین اصطلاح باستانی با کلمه «نوروز» کدام است؟

به عقیده برخی از دانشمندان کلمه **Nava Vihāra ناوا ویهاره** (اسم باستانی معبد نوبهار بلخ) ارتباط بیشتری با روز آغاز بهار یا «نوروز» دارد. زیرا **ناوا ویهاره** متشکل از دو کلمه، «ناوا» به معنی **نو** و «ویهاره» به معنی **ورودگاه** در زبان هندو آریایی سانسکریت می باشد و از آنجایی که **بهار** ورودگاه سال می باشد اصطلاح نوبهار رویکار آمده است.

کلمه نو بهار در ادبیات دری تجلی گسترده داشته و شاعران بزرگ متقدم مانند عنصری، فرخی و ارزق هروی شاعر دوره سلجوقیان در وصف آن ابیاتی دارند، این معبد درب ورودی ای به نام نوشاد داشت که از شکوهمندی خاصی برخوردار بود چنانچه فرخی شاعر دربار غزنه در وصف این جایگاه چنین گفته است:

مرحبا ای بلخ بامی همره باد بهار
از در نوشاد رفتی یا ز باغ نوبهار
ای خوشا آن نوبهار خرم نوشاد بلخ
خاصه اکنون کز در بلخ اندرون آمد بهار

نظر به بررسی های پژوهشگران معاصر ایران نیز، کلمه «ویهاره» به معنی بهار در کتیبه های عصر هخامنشی نگاشته شده، اما در عصر کوشانی اصطلاح (ویهاره) در ادبیات بودایی بیشتر به مفهوم جایگاه و خانه اصنام و عبادتگاه اطلاق می گردید. در مورد نوبهار باید گفت که عده ای آنرا آتشکده زردشتی می پندارند، اما برخی از تاریخنگاران معتقد اند که معبد بودایی نوبهار در جایگاهی بنا یافت که در عهد کی شاهان بلخ نیایشگاه زردشتیان بود و این بنای کهن بعدها به معبد بودایی نوبهار مبدل گشته است، چنانچه دقیقی گوید:

چو گشتاسپ را داد لهراسپ تخت
فرود آمد از تخت و بر بست رخت
به بلخ گزین شد بران نوبهار
که یزدان پرستان بدان روزگار
مرآن جای را داشتندی چنان
که مرمکه را تازیان این زمان

بصورت عمومی کلمه نوروز چنانچه از اشعار سخنوران سده های چهارم و پنجم هجری پیداست در ادوار اسلامی مروج بوده است. مراسم نوروز در عصر فرمانروایی سامانیان برخاسته از بلخ و در عهد سلطنت غزنویان در اکثر شهرهای باستانی افغانستان آنوقت، بخارای قدیم و مرو و نساپور که شامل ساحة اقتدار امپراتوری های بزرگ غزنویان و غوریان بود بصورت گسترده ای تجلیل میگردد چنانچه فرخی شاعر دربار محمود غزنوی در وصف نوروز چنین گوید:

ز باغ ای باغبان ما را همی بوی بهار آید کلید باغ ما را ده که فردا مان به کار آید
کلید باغ را فردا هزاران خواستار آید تو لختی صبر کن چندان که قمری بر چنار آید
چو اندر باغ تو بلبل به دیدار بهار آید تو را مهمان ناخوانده به روزی صد هزار آید
کنون گر گلبنی را پنج شش گل در شمار آید چنان دانی که هرکس را همی زو بوی یار آید
بهار امسال پنداری همی خوش تر ز پار آید وزین خوشتر شود فردا که خسرو از شکار آید

بدین شایستگی جشنی، بدین بایستگی روزی

ملک را در جهان هر روز جشنی باد و نوروزی

در دوره اقتدار سلاطین سلجوقی که پس از تضعیف تدریجی سلاطین غزنوی و توجه شاهان غوری به فتح هند در قرن یازدهم و دوازدهم میلادی بر اقتدار شان افزوده شد، و از ماورالنهر بر ساحة وسیعی از بلاد اسلامی حکمروایی نمودند، ملکشاه سلجوقی ملقب به جلال الدوله تصمیم گرفت تا تقویم هجری شمسی در عهد سلطنت وی تنظیم و تسجیل شود. از این رو از سراسر امپراتوری وسیع خود دانشمندان را که در علم نجوم و ریاضیات تخصصی داشتند فرا خواند تا این تقویم را ترتیب دهند. این دانشمندان بزرگ عبارت بودند از، عبدالرحمان منصور خازنی، ابو مظفر اسفزاری، ابوعباس لوگری، محمد بن احمد معموری، نجیب واسطی، ابن کوشک

بیهقی و حکیم عمر خیام. کار تدوین این تقویم در ماه رمضان سال ۴۷۱ هجری قمری تکمیل شد که به نام **جلال الدوله ملکشاه سلجوقی تقویم جلالی** خوانده می شود، اما نویسندگان ایرانی بنا بر عادت معمول این تقویم را به نام "گاہ شماری ایرانی" یاد می کنند و آنرا دنباله تقویم یزدگردی که سرآغاز آن روز جلوس یزدگرد سوم آخرین شاه دودمان ساسانیان پارس بود می دانند. در حالیکه در عصر سلجوقیان ۵۰۰ سال تمام از فروپاشی دولت ساسانی ها به دست سپاه مسلمین می گذشت و بخش های عمده ایران امروزی در تحت تسلط خلفای عباسی و سلاطین سلجوقی قرار داشت.

قرار معلوم تقویم یزدگردی که ملهم از شیوه شمارش تقویم جولین رومن ها بود پس از کشته شدن یزدگرد در سال ۶۵۲ میلادی در مرو مانند "گاہ شماری مجوسی" پس از مدت کوتاهی از بین رفت.

در آغاز سده بیستم افغانستان نخستین کشوری بود که در سال ۱۹۲۲ میلادی در عهد زمامداری شاه امان الله تقویم هجری شمسی را به صورت رسمی پذیرفت و سپس دولت فارس یا ایران امروزی در سال ۱۹۲۵ این تقویم را به صورت رسمی مورد استفاده قرار داد. در تقویم رسمی افغانستان در کنار ماه های شمسی ماه های قمری نیز برای بزرگداشت از اعیاد، مراسم مذهبی و حرمتگزاری به واقعات تاریخی دین اسلام نگاشته می شود. تجلیل از نوروز در تقویم افغانستان اول حمل سال شمسی و در تقویم ایران اول فروردین می باشد. مراسم نوروز نه تنها در افغانستان و ایران، بلکه بالغ بر ۱۲ کشور جهان، مانند، تاجکستان، ترکمنستان، ازبکستان، قزاقستان، قرغزستان، ترکیه، عراق، کوسوو شمال پاکستان و حتی بخش هایی از مغلستان تجلیل می گردد، اما باز هم نویسندگان کشور همسایه ما ایران، تنها جشن نوروز را یک جشن ایرانی مربوط به فارس قدیم می پندارند و این ادعا به مثابه آنست که ایتالیایی ها به دلیل اینکه تقویم های جولین و گریگورین در آنکشور تنظیم یافته سال نو عیسوی را سال نو ایتالیایی خطاب کنند و کشورهای دیگری را که سال نو میلادی را جشن می گیرند بخشی از مستملکات روم باستان بشمارند. در حالیکه کشور ایران کنونی مانند بسی کشور های منطقه چون عراق، سوریه، فلسطین، ترکیه، کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان امروزی دارای تاریخ کهن و غنای غنای هستند اما یگانه سرزمینی نمی باشند که مبدای تمام مدنیت های باستان به حساب آیند. البته هر کشوری حق دارد تا در راه معرفی تاریخ و فرهنگ ملی خویش کوشا باشد، اما نه با مهر تصاحب زدن بر حقوق فرهنگی و هویت ملی دیگران. در جهان امروز که بنا بر قوانین یونسکو حقوق فرهنگی تمام ممالک عضو این سازمان قابل احترام است و روحیه همکاری های فرهنگی افزایش می یابد، **دیدگاه های برتری جویانه** آغاز سده بیستم که منجر به دو جنگ مدهش جهانی گردید ارزش علمی خود را از دست داده است.

پایان